

انواع خدمات محدثان دریاری برای معاویه (۱)

او مراجعه می کردند، در کارها حکمت و آرا معتبری می شمرده، قرآن را از وی خواستند؛ و خب البتّه در رأس حکومت و در دستگاه معاویه، هم‌پای در شطح بن ظلم و غبی و عدوان علیه عدل علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) بود. روایت این است: «تسعة مع التّی» خود من شنیدم از پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله). «قول: الی ابی‌طالب لیسوا لی بأولیة»، از ابی‌طالب جزو بستگان من نیستند، نزدیکان من و پیوستگان به من نیستند. در اینجا «ولی» به‌معنای دوست نیست؛ بلکه یعنی هم‌فکرته، هم‌سطح، هم‌جهبه. الی ابی‌طالب جزو هم‌فکرته من محسوب نمی‌شوند.

[illegible]

نقش ابهری‌رها چه‌جیست؟ وظیفه‌ی آنها چیست؟ اگر بخوایم خلاصه‌ی مطلب را بگوییم، باید عرض کنیم که وظیفه‌ی آنها این است که وضع را در زمینه جامعه را آن چنان آماده کنند که معاویه بتواند به‌آسانی و با خاطر جمع از این مردم حکومت کند. البته این کار را راهمایی انجام می‌گیرد: ابتدا اقربان را عوضی معنا کنند: از قول پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) روایتی از قول پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) جعل کنند: در فضیلت معاویه و پدر معاویه و دودمان بنی‌امیه؛ از این قبیل روایات داریم. حال اگر از اقابان کسناسی کم و بیش با روایات انسی داشته باشید و بنده اشاره کنم، شاید چند تا روایت در هتختان نقش ببندند، که نمی‌تواند آنها را بگوییم. _ یا از شیوه‌های غیرمستقیم استفاده کنند. به نظر من این شیوه‌های غیرمستقیم خیلی جالبه و واقع می‌شود. به این یکی دو تا روایت توجه کنید: این‌ها مال ابهری‌رها و امثال آنهاست. نمونه‌گیری می‌خواهد. لازم است شما و من سبک روایات را بداندیم. که از این یک سبک و نمونه‌ای است. _ وقتی که شناختید، روایت‌های مشابه را هم می‌شناسید. «رجل جلاقی کعب الاخیر»، کعب‌الآخیر رسیده به یک آدمی که سب‌سواری در بیابان - «فصلی کعب مَن

وظیفه محدثان درباری معاویه این است که وضع و زمینه جامعه را آن چنان آماده کنند که معاویه بتواند به آسانی و با خاطر جمع بر این مردم حکومت کند.

پانوشته‌ها:

۱- دراسات فی الحدیث و المحدثین، الحسنی، هاشم معروف، ج ۱، ص ۹۲، به نقل از تاریخ مدینة دمشق، اب: عساکر، ج ۱، ص ۲۷۵

۲- از آنجا که مفهلم این روایت دروغی را از کتاب‌های معروف اهل سنت نقل می‌فرماید و الحسنى نیز آن را هـا به مضمون کرده است، در اینجا اصل روایت منعی اصلی نقل شده است و این قسمت نیز از آنجا استخراج شده است: قال: «فلعلک من الجند الذین یعرفون الجنب بالنیب الخضر» کعب‌الآحبار گفت: «شاید تو از کسانی هستی که در بهشت یا بس‌های سبز رنگ شناخته می‌شوند» قال: «من هم؟» از شخص گفت: «ناها چه کسانی اند؟» قال: «هل دمشق؟» کعب‌الآحبار گفت: «هل دمشق؟» قال: «لست منهم» گفت: «من از اهل دمشق نیستم» قال: «فلست من الجند الذین یعرفون الجنب بالنیب الخضر» کعب گفت: «شاید تو از کسانی هستی که زیر عرش شاه خاسته‌اند» قال: «من هم؟» از شخص گفت: «ناها که هستند؟» قال: «هل اردن؟» گفت: «هل اردن؟» قال: «لست منهم» گفت: «من اهل اردن نیستم»

۳- خنده حضار.

۴- قدوة فضالباری، ابن حجر عسقلانی، ص ۳۲۹، شرح نهج البلاغه ابن‌الحدی، ج ۴، ص ۶۴۰ بحار الانوار، آلاءه متعاقبات، مجلسی، ج ۱۰، ص ۴۰.

گفت: «ارها چه کسانی اند؟» پاسخ شنید: «هل فطسین...» مردم فطسین... البته آن روز فطسین امروز فطسین اهل واقعی فطسین امروز دامنای مورد نظر رفت و رحمت خدا هستند... اهل فطسین آن روزگار که لشکر شام بودند و یک صفی بودند که آن روز معاویه از آنها استفاده می کرد و جزو سپاهین معاویه بودند. این یک نمونه ای از یک حدیث.

یک حدیث دیگر؛ رای این حدیث، عرواص است؛ شما می شنید که عرواص حدیث روایت کنند؟ عرواص جزو صحابه (پیغمبر صلی الله علیه و آله) است. مردم آن روزگار از کجا می فهمیدند که عرواص حدیثش دروغین است؟ اما چون شما امروز چهره واقعی عرواص را شناختید و بفهمید که عرواص را می دانید، از اینکه او حدیث نقل کند، تعجب می کنید؛ لیکن نه، عرواص علاوه بر این که حدیث بود، در کشور مصر اول امام جماعت بودند مردم به عرواص اقتدا می کردند، پشت سر او نماز می خواندند، در قضاوتها به

«هو؟» گفت: «شما اهل کجایید؟» قال: «من اهل الشام.» آن شخص گفت: «من از مردم شام.» تا گفت از مردم شام، گفت: «ای لجنه گفت: ها! «لعلکم من الجند الذین یدخل الجئنه منهم سبعون ألفاً بغیر حساب ولا عذاب؛» گفتم من کیتم از آن لشکری هستی که در روز قیامت هفتاد هزارشان بدون حساب وارد بهشت می شوند. کعب‌الآبادی پاسخ داد: «خودش احتوال می دهد که شاید آن شخص از سپاهیان محسوب می شود نزدیکان معاویه باشد و خبر این حدیث را به معاویه برساند و معاویه بفهمد که کعب‌الآبادی مأموریت خود را به طور کامل در هم می جارد و همه افتاح می دهد. در کلام گیج شد این ها کدام سپاهیان هستند که هفتاد هزارشان در روز قیامت بی حساب و کتاب وارد بهشت می شوند؟» خب، اگر مسلمان واقعی بود، باید می فهمید که در روز قیامت حساب و کتاب هست، برای انبیا هم هست؛ اصلاً بی حساب وارد بهشت شدن معنی ندارد. بدین همةاں حساب است و آخرت

احیاناً از نامزد دیگری حمایت می‌کنند، زخم خورده و رنج دیده، از خودشان مگدر شکسته و این امر نکته جالبی است که در حلقه‌های خلی می‌بینیم. البته در گذشته و کنونی و کنار خردهایی می‌بینیم که نمود که قدری مایه خلاف توقع است. این را هم همه متوجه می‌شوند که فضایی از کارها مربوط به خودهای نیست؛ مربوط به دشمن است. اهران‌نشین کاروان است؛ دشمن بر سر عشار، مربوط به مردم اقلیتی و مسلمانان است. این را هم این کار دشمن است. گرم که عکس یک نامزد انتخاباتی را که به دست بگیرند، این حلیه آنهاست. استیج می‌بینیم که دشمن از آنها خبر داشتند و این طرفدار را می‌دانند. بخیر، آنها چه طرفداری از کسانی دارند که اهل دین و معنویت و این چیزها هستند. رنج می‌نارند. شاید خود آن‌ها را به دست می‌دهد، می‌ماند که در خیابان‌ها سوار بر اتوبوس شدند و آن منظر زشت را اهران‌نشین، ندانند که قضیه چیست. دستنی برای آن مردم می‌دهد، برای این که قضایا را به دست بیاورند که این کار می‌تواند برای این که انتیانتار از نظر متدینان یک کار نامناسب جلوه کند. انتیانتار از نظر متدینان یک کار نامناسب جلوه

نقد سیاست‌های دولت برکنار شد و بعد از ظهر هم روزی هفتاد به تخلیه خانه سامانی گردید^۱، چاب قافله را فرمانده محلی «ابنبر» سیاستمدار و سرسیدی^۲ به مناطق محروم از مود و نرد، و بررسی قراردادها و سند، مسجدها و ضرایب نماینده بیچاره از مجلس ششم، به همین مسئله اشاره کرد و می‌گوید: «این دولت مدعی اصلاحات نیست که تحمل مسئولیت انتقادات یک پخشدار را در دوره‌های تیرین گوشه کشور نارد»^۳

محمدزاده تاجیک، مشاور رئیس‌جمهور و رئیس مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری و از حامیان سرخست اصلاحات می‌گوید: «خی از حملات انتقادات رفتار انتصاب طلبانه دارد و می‌کوشند در درون جنبش اصلاحات، گفتمان خود را به عنوان گفتمان مسلط اصلی، ظهور بخشد. این‌ها حتی صادیی جز صدای صدای خودشان را بر نمی‌تابند و هر صادیی جز صدای خودشان را ردیاجی و استبدادی قلمداد می‌کنند»^۴ و بدین ترتیب، هم به اختلاف سیاست‌های داخلی و هم به انتصاب ضرایب اشاره می‌کند.

[illegible][illegible]

نقش شبه روشنفکران در تاریخ معاصر ایران

فر آیند به قدرت رسیدن مدعیان اصلاحات

حجت‌الاسلام
نوری: یکی
که سبب
نیامور، محام
آقای‌هاشی بود
آقای‌هاشی از
خوردن داشت
از عواصم
من در بهروز
موضعی از آ
رفسانه‌ها در
جانبی

یاران خاتمی
در تیراز و سب
به عنوان «سلام
خاتمی» نظر
این ترند، افشا
مردان احرار

آقای‌هاشی می‌دیند. همچنین
در آن موقع وجود داشت که
دولت آقای‌هاشی عامه عدم
نی که دختر ایشان فائزه به میدان
های این چنینی فراهم شد. مسئله
من در سیاست‌های اقتصادی دولت
فاجع کردم، می‌گفتند پس ناطق که
تجدیدی در کشور ایجاد نمی‌شود؛
آقای‌هاشی می‌دهد. پیشانی این جریان
نگذاشتند. در واقع یکی از عواملی
که من و نیامور، حمایت من از آقای‌هاشی
کردم بود و حمایت از آقای‌هاشی
یکی دیگر از عوامل عدم موفقیت من
وضعیت آقای‌هاشی رفتاری و رفتاری
مهوری بود. به نظر من ایشان مقهور
این که می‌گفتند ثقلی می‌شود. خطبه
افکار ایشان بسیار سوتی در جامعه داشت
«دارد».

کارگران را با راسته به آقای هاشمی می‌دیدند. همچنین کمی ایستاده و غیره [۱] در آن موقع وجود مثل میدان هاشمی‌ها اعتقاد داشتند دولت آقای هاشمی عمل عمده آن است به ویژه زمانی که دختر ایشان قافله به میدان آمد. زنده‌یانی از آقای‌های این چنینی فراهم شد. مسئله دیگر این بود که وقتی من از سیاست‌ها خارج اقتصادی دولت و شخص ایشان دفع کردم، می‌گفتند پس ناظر که آقای هاشمی نمی‌تکند و تحولی در کشور ایجاد نمی‌شود. او هم را فرستادن را ادامه می‌دهد. بی‌معنا این جریان خود را روی آراء می‌گذاشتند. در واقع یکی از عواملی که سبب شد من را بنامور، حمایت من از آقای هاشمی به این بیلانی که عرض کردم بود و حمایت از آقای هاشمی از پیروان اشتیاق، موضع گیری آقای هاشمی فرستادن را در انتخابات ریاست جمهوری بود به نظر من ایشان مقهور این من‌چسبانه‌ها می‌گشتند نقلی می‌شود. خطبه ایشان در جمع، واقعا آن‌ها بسیار شوش را جمعه داشت. و هیچ توجهی هم ندارد...

خاتمی و تیم همفکر او از کبان و آیین و سلام، با زیرکی خاص توانستند از یک سو خود را مخالف سیاسی‌های هاشمی در جامعه معرفی کنند و از سوی دیگر عقیده‌های تئوریک خود را که سال‌ها در حلقه‌ها و مراکز مختلف به تبیین آنها پرداخته بودند، از این فرصت انتخاباتی استفاده کردند و آنها را در جامعه مطرح سازند.

دهد و چهره‌ها را خراب کند. البته مسئولان باید بگردند و آن دست پنهان را پیدا کنند.^{۱۳۶۶}

رتاج‌رام در دوم خرداد ۱۳۷۶، خاتمی با آراء مردم به عنوان مقنن رئیس‌جمهوری اسلامی ایران انتخاب گردید.

پانوش‌تاب

- ۱- روزنامه‌ی هفت‌شنبه، ۱۳۷۶/۲/۲۸.
- ۲- خاطرات جنت‌الاسلام ناطق‌نوری، ص ۲۶۵.
- ۳- روزنامه‌ی ایران، ۱۳۷۶/۲/۲۸، نقل از سیدای سکولاریسم، ص ۱۴۵.
- ۴- خاطرات ناطق‌نوری، ج ۲، صص ۲۶۴-۲۶۶.
- ۵- همان، ص ۲۶۶.
- ۶- روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۸۰/۱، ص ۲.
- ۷- روزنامه‌ی ایران، ۱۳۸۱/۲/۵.
- ۸- برای اطلاع و مطالعه‌ی افتراات دیگر معذیان‌اصلاحات و مدیریت‌تاکام‌را در دولت‌های اصلاحات به کتاب «پیرایه‌های دولت اصلاحات» رجوع کنید.
- ۱۰- دیدار با خانواده‌های معظم اسرا و مفقودان، تحمیل، ۱۳۷۶/۲/۳.

یاران خاتمی با طرح سیادت و با چاپ شعارنرمه‌های
در تیراز و وسیع و پست و سبک است با امام خمینی و خرمی
به عنوان اسلام بر سر راه فوجی خمینی خاتمی را
نظر توده مردم از مانع‌های خاتمی کردند. آنان این
این ترغیب، آسافگری و افکار میمنتان با انقلاب اسلامی در
مردم احترامات غیبی و فکری خاتمی را برای نامور
آشوبهای سیاسی از تظاهرات افسردگی برای تظاهرات
غیراسلامی در روز عاشورا به حمایت از خاتمی با در دست
داشتن تصاویر و شعارهایی علیه نظام، اتفاق بود که به
سرعت در جامعه منکشف شد. خاتمی تالیث کرد که در دست
از این ساخته و پرداخته می‌شود برای تبلیغ برای جلوه
دهد. جناح مقابل هم سعی می‌کرد از این تصاویر در جهت
ضدخمی برپه‌برداری نماید فضای انتخابات این واقع
مطلب بود که امام هجری برای اعلام مرزهای ضد
با کارناتول عاشورا، آن را مربوط به خاتمی شدن
دانستند که ربطی به هیچ یک از کاندیداهای انتخابات
ندارد و بدین‌وسیله تبلیغات منفی این کار را فرغند.
«همد کد» از نهادهای طرفدارانش، برای خوشنای
تبلیغ کنندگان از موسسات و مهیتهای و پراشتان را که

البته در بعضی جنبش‌ها و احزاب، ممکن است آن جهت که دفاع از ارزش‌های اسلامی و انقلابی است، به عنوان جهت خود قلمداد شود. اما در این جنبش‌ها، این جهت را می‌توان به عنوان جهت اصلی و اساسی در نظر گرفت. این جهت را می‌توان به عنوان جهت اصلی و اساسی در نظر گرفت. این جهت را می‌توان به عنوان جهت اصلی و اساسی در نظر گرفت.

[illegible][illegible]

با حضور در نیازمندیهای روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید

ویژه نامه تخصصی | خودرو بامطالبی متنوع و کادری ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی های شما

ویژه نامه تخصصی